

ارتباط مداوم که با رسانه‌ها در قالب گفت‌وگو و مقالات علمی - فرهنگی برقرار می‌کردند و تا سالیان آخر حیات مبارک به آن توجه و عنایت داشت.

**۳. عالم عصری:** آیت‌الله واعظ‌زاده، گرچه اصولی، فقیه، ادیب، مفسر، محدث، و... بود، اما در گردونه مسائل فکری زمان هم قرار داشت. بخش مهمی از این دلمشغولی، در دیرینه تحصیلی ایشان دیده می‌شود. به‌هنگام حضور در حوزه علمیه قم، از دو محفل علمی یاد می‌کند که بذریه دغدغه‌مندی را در او کاشت، نخست جلسه فلسفه و کلامی بود که در آن شرکت می‌کرد و ارکان این جلسه عبارت بود از حضرات آیات سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، سید مهدی روحانی، احمد آذری قمی، ناصر مکارم شیرازی و... ایشان از این جلسه چنین یاد می‌کند:

«در این جلسه مباحث فلسفی مطرح می‌شد که گاهی برخی مباحث را از روی «شفا» می‌خواندند، درباره فلسفه مارکسیسم بحث و گفت‌وگو می‌شد، در این جلسه آقای مکارم هم می‌خواند و هم می‌نوشت. کتاب فیلسوف‌نماهای ایشان، نتیجه همین جلسات است، این کتاب در آن زمان کتاب سال شد.» (همان)

محفل دوم جلساتی بود که «علامه طباطبایی» داشتند و به روایت ایشان، ارکان جلسه عبارت بودند از آقایان: مطهری، منتظری، محلاتی، قدوسی، جزائری و... که مجموعاً ۱۵۰ نفر بودند، شب‌های پنجشنبه در خانه‌های اعضا به نوبت تشکیل می‌شد، مقاله به خط علامه روی کاغذ پیاده و تکثیر می‌شد. سپس علامه آن نوشته را برای جمع می‌خواندند و اگر مطلبی به ذهنشان می‌رسید مطرح می‌کردند. این مباحث کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» شد که مرحوم استاد مطهری با باورقی‌های سودمند و محققانه خود چاپ و عرضه کردند. (همان)

بدین‌گونه ایشان از اواخر دهه ۲۰ با عرصه‌های پرتلاطم فکری عصر خویش آشنا شد و در این میدان حضور و بروز یافت. به نظر می‌رسد که بخش مهمی از زیست علمی، اجتماعی ایشان را در این‌گونه دغدغه‌ها و مواجهه‌ها باید دید و آن را از همین منظر دریافت.

#### ۴. عالم دانشگاهی: آیت‌الله واعظ‌زاده، در زمره

روحانیانی بود که حضورش در دانشگاه نه رنگ خودباختگی داشت و نه قالب تزئینی یا تفتنی یافت. او از آن زمان که در دانشگاه فردوسی مشهد حضور یافت (۱۳۳۹ ش) تا سالیان پایانی حیات، عالم اسلامی بود که با تمام وجود در خدمت دانشگاه و دانشجویان برآمد. در زمینه‌های گوناگون علوم اسلامی «تفسیر و علوم قرآن، فقه، حدیث و...» در دانشگاه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی، دانشکده الهیات دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه مذاهب اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی و... به تدریس و تربیت دانشجو پرداخت و ارتباط گسترده و فعال با اساتید و دانشجویان داشت، در مجامع و کنگره‌ها، نشریات و دیگر فعالیت‌های دانشگاهی حضور او فعال و نمایان بود، رتبه استادی داشت و در سال ۱۳۸۱ استاد نمونه دانشگاه‌های کشور شد، شاید یکی از یادگارهای به‌یادماندنی او در عرصه دانشگاهی، برگزاری کنگره فخر «هزاره شیخ طوسی» در دانشگاه فردوسی مشهد (سال ۴۹-۴۸) بود که در گستره حضور مفاخر علمی بین‌المللی و ملی و نیز میزان

دستاورد و آثار کم‌نظیر بود.

از این‌رو بی‌تردید می‌توان او را از نمادهای موفق وحدت حوزه و دانشگاه دانست. در این زمینه که او چگونه توانست این پل را بیافریند و امتداد دهد، سخن بسیار است و مجال تفصیلی‌تری را برمی‌تابد.

**۵. عالم بین‌المللی:** آیت‌الله واعظ‌زاده، در جغرافیای قم، نجف و مشهد محدود نماند، او علاوه بر مطالعات گسترده که در مورد تاریخ تمدنی داشت، ارتباط وثیقی با جهان اسلام یافت.

در سال‌های ۵۲-۵۱ سفر مطالعاتی یک‌ساله‌ای به ترکیه، لبنان، سوریه، مصر، الجزایر، مراکش و چند شهر از اسپانیا داشت. گزارش بخشی از این سفر، در نشریه مطالعات اسلامی (از دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی، در شماره‌های ۸ تا ۲۱ با عنوان بازدید از چند کشور «اسلامی و عربی») منتشر شد. این مقالات، گزارش مبسوط و بسیار خواندنی از حضور ایشان در کشورهای ترکیه، سوریه، لبنان و بخشی از خاطرات مصراست و متأسفانه باقی‌یادداشت‌های ایشان، تبدیل به مقاله نشد.

این شروع یک مرآه پیوسته بود و در حدود نیم قرن، این ارتباطات حضوری با جهان بویژه جهان اسلام ادامه یافت. بدین‌گونه او در جبر جغرافیایی، که گروهی از حوزویان در آن گرفتارند، قرار نگرفت و با دیدی جهانی به مسائل فکری-فرهنگی دین و دینداری پرداخت.

**۶. عالم تقریبی:** آیت‌الله واعظ‌زاده، شاگرد برجسته مکتب آیت‌الله بروجردی بود و از آن سرچشمه جوشان نوشید و آن را چون آب حیات قدر دانست و تا آخر عمر مبارک به آن وفادار ماند.

در نگرش تقریبی آیت‌الله بروجردی دو نکته مهم وجود داشت. نخست آنکه ایشان معتقد بود که «علوم اسلامی» از تأسیس تا بلوغ و گسترش (قرن اول تا پنجم هجری) در تعامل مذاهب اسلامی و ارتباط پیوسته آنها قرار دارند و از این‌رو فهم میراث و نیز تکامل علوم اسلامی در حال حاضر، جز در «علوم اسلامی مقارنه‌ای» ممکن نیست. ایشان با این دریافت، به «فقه مقارن، حدیث مقارن، رجال مقارن و...» رو آورد؛ دانش‌هایی که تنها از درون یک مذهب اسلامی برنمی‌خیزد بلکه نیاز به تطبیق و سنجش با مذاهب اسلامی گوناگون دارد.

بخش دیگر از نگرش تقریبی مکتب آیت‌الله بروجردی، به زیست اجتماعی تقریبی و نهادسازی تقریبی مسلمین باز می‌گشت. مرادوات ایشان با شیخ شلتوت و علمای مذاهب اسلامی، عنایت به دارالتقريب مصر و... برخاسته از این رویکرد بود. آیت‌الله واعظ‌زاده، این دو مسیر را با قوت و همت ادامه داد و به بسط و عمق مبانی نظری و رویکردهای عملی آن پرداخت و در طول زندگی پربار خویش، لحظه‌ای از این اهتمام فارغ نشد و طعن طاعنان را هیچ انگاشت و از آن فتوری در راه و مسیر نیافت.

بی‌تردید ایشان در میان «عالمان تقریبی» چون مهر عالم‌تاب فرزوان و درخشان بوده و خواهد بود. با انبوهی از تألیفات، مقالات، مصاحبه‌ها، حضور در همایش‌ها، مرادوات نخبگانی و نیز نهادسازی‌هایی که داشت از قبیل مجمع التقريب دانشگاه مذاهب اسلامی، رسانه‌های تقریبی و... یاد او گرمای و راه او پراهره باد.

**آیت‌الله واعظ‌زاده، در زمره روحانیانی بود که حضورش در دانشگاه نه رنگ خودباختگی داشت و نه قالب تزئینی یا تفتنی یافت. او از آن زمان که در دانشگاه فردوسی مشهد حضور یافت (۱۳۳۹ ش) تا سالیان پایانی حیات، عالم اسلامی بود که با تمام وجود در خدمت دانشگاه و دانشجویان برآمد. از این‌رو بی‌تردید می‌توان او را از نمادهای موفق وحدت حوزه و دانشگاه دانست**

